

«فرهنگستان» به مناسبت سالروز تاسیس شورا بررسی می‌کند

چرا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمانت اجرایی ندارد؟



محمدحسین نظری
روزنامه‌نگار

شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز اصلی سیاستگذاری فرهنگی کشور است که حدود چهارده به عنوان اتاق فکر فرهنگ جمهوری اسلامی ایران فعالیت کرده است. شرح وظایف این شورا در ابتدا اجرای یک انقلاب بنیادین فرهنگی در دانشگاه‌ها و نظام آموزشی کشور بود اما در ادامه مسئولیت‌سنگین تری بر سرگردانده شد. بالاترین نهاد تصمیم‌ساز کشور در حوزه فرهنگ از طرف معمار کبیر انقلاب اسلامی ماموریت یافت تا برای هرچه بارورتر شدن نهال انقلاب حرکت رو به جلوی فرهنگ کشور را تدارک کند. در ادامه اگر چه این مجموعه اسناد ارزشمندی در حوزه کلان فرهنگی کشور نظیر نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند راهبردی نخبگان و... را تنظیم و به قوای مربوطه ابلاغ کرد اما وضعیت فرهنگی کشور حاکی است این نهاد بالادستی آن طور که باید موفق

و موثر نبوده است. این عدم توفیق دلایل متعددی دارد که به نظر می‌رسد جدی ترین موارد وجود برخی اشکالات در ساختار این مجموعه است. اگرچه افعال دستگاه‌های مرتبط اعم از اجرایی، تقنینی و قضایی هم بی تاثیر نبوده اما اصل انتقاد متوجه نحوه سازمان شورای عالی انقلاب فرهنگی است. بعد از گذشت حدود چهارده از عمر این نهاد بالادستی هنوز سازوکار مشخصی برای اجرای مصوبات آن تعیین نشده و امروز فهرست عریض و طویلی از مصوبات این شورا وجود دارد که علی‌رغم ابلاغ آن هیچ‌گاه اجرا نشده است. با این حال این تنها انتقاد وارده به شورا نیست و برخی قرائن حاکی از شکاف میان شورای عالی انقلاب فرهنگی و بدنه نخبگان جامعه است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مصوبات این شورا با واقعیت فرهنگی جامعه مطابقت ندارد و این نتیجه عدم ارتباط مستمر و موثر میان شورای عالی انقلاب فرهنگی و جامعه‌دانشگاهی کشور است. بر این اساس و به بیان ساده‌تر سالروز تاسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام خمینی (ره) بر آن شدیم به منظور تقویت این نهاد انقلابی برخی انتقادات وارد به آن را بازخوانی کنیم.

مأمور تحول بنیادین

در مردادماه ۱۳۶۱ هیات دولت لایحه‌ای را با عنوان «لایحه تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی» به تصویب رساند و با قید یک فوریت تقدیم مجلس کرد. این اقدام در پی اختلافات برخی اعضای هیات دولت و ستاد انقلاب فرهنگی انجام شد و دولت در پی آن بود که جایگاه مصوبات ستاد مشخص شود و وجهه قانونی پیدا کند. اما مجلس در مورد این لایحه تصمیم‌گیری نکرد و ستاد هم با همان ساختار و دستور کار پیشین به فعالیت خود ادامه داد. تا اواخر در ۱۹ آذر ۱۳۶۳، امام خمینی (ره) طی حکمی با ابلاغی اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و افزودن برخی چهره‌های فرهنگی، برای نخستین بار از این مجموعه به عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی یاد کردند. پس از ابلاغ فرمان امام، تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی هیچ‌گاه در قالب لایحه یا طرح در مجلس شورای اسلامی مطرح نشد و تا امروز به همان فرمان اولیه اکتفا شده است. به هر حال هر کمیته

ستادی که شورا شد

صورت‌بندی مستقلاً برای تشکیلات سیاسی خود تدارک می‌بیند تا از طریق آن جامعه را اداره کند. بخش عمده و اصلی این صورت‌بندی در قانون اساسی هر کشور پیش‌بینی شده و قواعد کم‌اهمیت‌تر نیز در قوه مقننه و مجلس قانونگذاری تدارک می‌شود. بنابراین انتظار می‌رفت برای تثبیت جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنای حقوقی این شورا به یکی از صورت‌های فوق مستند شود تا اقتدار این شورا افزایش یافته و جایگاه آن نزد عموم مشخص باشد. با این حال این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی دنبال نشد و طی سال‌های گذشته همین کار را برای این شورای راهبردی و مهم دشوار کرده است. چنانکه امروز با وجود تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب بر اهمیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، برخی بر آنند که جایگاه این مجموعه در صورت‌بندی تشکیلات سیاسی جمهوری اسلامی ایران به درستی مشخص نیست.

مامور تحول بنیادین

دو مصوبه مرتبط با حوزه آموزش و فرهنگ به تصویب رساند؛ یکی لایحه شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۲۷ بهمن ۱۳۵۸ و دیگری لایحه تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ که هر دو در بحبوحه التهاجات به تصویب رسید. با افزایش تنش‌ها در دانشگاه، امام خمینی (ره) نیز در پیام نوروزی ۱۳۵۹ بر ضرورت ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور»، «تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی» تأکید کردند و پیرو این موضوع شورای انقلاب در ۲۹ فروردین ماه به‌دافت‌تشکل‌های سیاسی مستقر در دانشگاه‌ها سه روز مهلت داد که از دانشگاه خارج شوند. به این ترتیب با اتمام امتحانات پایان ترم، دانشگاه‌ها از ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ موقتاً تعطیل شد تا نظام آموزشی کشور بر اساس موازین انقلابی و اسلامی طرح‌ریزی شود. یک هفته پس از تعطیلی رسمی دانشگاه‌ها بود که امام خمینی فرمانی مبنی بر تشکیل «ستاد انقلاب فرهنگی صادر» کرد.

چالش اول: عدم مقبولیت جایگاه حقوقی

در کنار سایر مسئولان اجرایی، تقنینی و قضایی این است که آنها در جریان تصمیمات شورا باشند و مدعی تناقض اختیارات شورای عالی با سایر دستگاه‌ها نشوند. با این حال دیده می‌شود مسئولان اجرایی کشور به مصوبات این شورا که از قضا ریاست آن هم برعهده رئیس جمهوری و قوه مجریه است، اعتنا نمی‌کنند. همان‌طور که گفته شد، به نظر می‌رسد یکی از دلایل این بی‌اعتنایی جایگاه حقوقی محدود این شورا نیز برخی مسئولان است که باعث می‌شود به اجرای تصمیمات آن رضایت ندهند و آن را تزام کارکرد سایر قوا ببینند. مثلاً محمد صادقی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد گفته است که «شوراهایی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، اولاً هماهنگ‌کننده و در ثانی سیاستگذار محسوب می‌شوند، اما وقتی از این کارکرد منطقی پایشان را فراتر می‌گذارند و اقدام به تصویب قوانین می‌کنند سبب ایجاد تداخل بین قوای می‌شوند که در نهایت به کاهش نقش مجلس می‌انجامد.» اینجاست که بحث ضرورت صورت‌بندی شورای عالی انقلاب فرهنگی در ساختار سیاسی کشور روشن می‌شود، چه این اقدام کمک می‌کند ادعاها درباره تزام دهنه وظایف این شورا با سایر قوا باطل شود.

فقدان ضمانت اجرایی و نظارتی که نیست

فقدان ضمانت اجرایی مصوبات شورای عالی یکی دیگر از چالش‌هایی است که این نهاد فرهنگی با آن دست به‌گریبان است. بار اصلی اجرای مصوبات شورا بر دوش اعضای حقوقی آن است و همان‌طور که گفتیم اساس حضور سران قوا و سایر مسئولان نیز همین بحث ضمانت اجرای مصوبات است. بخشی از این ضعف هم به مورد پیشین یعنی عدم مقبولیت جایگاه شورای عالی در میان قوا بازمی‌گردد و بخش دیگری هم ناشی از فقدان دستگاه نظارتی مکلف به نظارت و بازخواست از نهاد‌های مسئول اجرای این سند‌هاست. اساساً دولت برای اجرا کردن یا نکردن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به هیچ‌نهادی پاسخ نمی‌دهد و کسی هم نمی‌تواند در این زمینه قوه مجریه را بازخواست کند. این رویه باعث می‌شود دولت نسبت به مصوبات شورا بی‌اعتنا شود و جایگاه

چالش اول: عدم مقبولیت جایگاه حقوقی

با وجود اینکه انقلاب اسلامی در ایران با یک پیشینه فرهنگی بر رژیم پهلوی غلبه کرد، اما پس از گذشت چهارده از عمر انقلاب، به نظر می‌رسد دستگاه‌های فرهنگی آن طور که شایسته است عمل نکرده‌اند و به‌سختی می‌توان به آنها نمره قبولی داد. چنان‌که رهبر انقلاب هم مستند به همین کارنامه از تعبیر اختلال در دستگاه‌های فکر و فرهنگ کشور استفاده کرده‌اند و خواستار حرکت هسته‌های فکری و فرهنگی شده‌اند. از این جهت به نظر می‌رسد شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرکز اصلی سیاستگذاری و تصمیم‌سازی فرهنگی کشور با اشکالات متعددی روبه‌رو است. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین چالش‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی عدم اجرای مصوبات آن توسط قوه مجریه است؛ چالشی که به نظر می‌رسد ناشی از اشکالات ساختاری این نهاد فرهنگی است. در حالی که شورای عالی انقلاب فرهنگی متشکل از مجموعه «صاحب‌نظران» و «صاحب‌اختیاران» بوده و اساساً فلسفه این ترکیب برخورداری شورا از قدرت تصمیم‌گیری و اجرای توامان است. منظور از حضور رئیس جمهوری به‌عنوان رئیس قوه مجریه و رئیس مجلس به‌عنوان رئیس دستگاه قانونگذاری

غلبه محافظه‌کاری بر دغدغه‌های فرهنگی

رحیم‌پور ازغدی در یک جلسه دانشجویی نقل می‌کند که برخی اعضا قبل از تشکیل جلسه رسمی شورا اعلام می‌کنند باید فلان مطلب در جلسه شورا مطرح شود و خوب است که این اقدام با هماهنگی و از سوی چند نفر صورت گیرد. اما وقتی جلسه رسمی تشکیل می‌شود هیچ‌حرفی مطرح نمی‌شود. بعداً معلوم می‌شود که به خاطر برخی منافع انتقادات مورد نظر مطرح نشده است و فرد مورد نظر بیم آن را داشت که طرح موضوع باعث کاهش بودجه زیرمجموعه او توسط دولت شود؛ مشابه این نقل‌بهارها از زبان دیگران شنیده شده و خروجی این شورا هم از غلبه روحیه محافظه‌کاری بر آن شورا حکایت می‌کند. این روحیه نشان می‌دهد برخی اعضای شورا اساساً شایستگی حضور در بالاترین نهاد تصمیم‌ساز فرهنگی را ندارند و متوجه اقتضات یک چنین مجموعه‌ای نیستند. این تصور که منافع شخصی اعم از مادی و معنوی مقدم بر مسائل و بعضاً مصائب فرهنگی یک جامعه است اوج مسئولیت‌ناپذیری است. بدتر از آن هم مجیزگوی سرران قوا برای اخذ منافع بیشتر است که با اساس کار فرهنگی در تناقض است. این واقعیت در کنار سایر مواردی که تا اینجا ذکر شد این فرضیه را تقویت می‌کند که چه بسا حذف سران قوا از این شورا و تعریف یک سازوکار نظارتی جدید همراه تدارک یک نهادی که تمام دستگاه‌ها را مکلف به اجرای مصوبات شورا کند، گزینه مناسبی برای ارتقای جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد.

اعضایی که همیشه غایبند

انتقاد دیگری که به شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد است، چالش منابع انسانی است. بسیاری از اعضای این شورا اساساً فرصتی ندارند که به فعالیت‌های مرتبط با شورای عالی انقلاب فرهنگی اختصاص دهند، زیرا عضویت در این شورا تنها گوشه‌ای از مشغله‌های متعدد آنهاست. به‌خصوص اعضای حقوقی این شورا که ضمن اجرای مصوبات شورا هستند حتی فرصت حداقلی برای شرکت در جلسات رسمی را هم ندارند. جلسات رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌طور میانگین باید ماهی دو بار برگزار شود، اما اظهارات برخی اعضا نشان می‌دهد که در برخی موارد جلسات هر دو ماه یک‌بار هم برگزار نمی‌شود. لوگو مکرر جلسات این شورا به این مناسبت که اعضای شورا علاوه بر اینکه دغدغه‌های نسبت به شرح وظایف خود ندارند، هیچ فرصتی پیدا نمی‌کنند که پیگیر فعالیت‌های عالی‌ترین مرکز تصمیم‌سازی و سیاستگذاری کلان فرهنگی در کشور باشند. در حالی که طبق شواهد برخی سران قوا در جلسات این شورا حاضر نمی‌شوند، به نظر می‌رسد انتظار اینکه این نهاد بتواند حلال معضلات و مشکلات فرهنگی کشور باشد عاقلانه نیست. از طرفی این عدم شرکت و فقدان فرصت کافی بیشتر متوجه اعضای حقوقی شورا است و این یعنی این نهاد روزبه‌روز به سمت تشریفاتی شدن حرکت می‌کند، چه همان‌طور که گفتیم شأن اعضای حقوقی این شورا ضمانت اجرای مصوبات است. بنابراین سبک‌تر شدن طرف حقوقی شورا به معنای انباشت بیهوده مصوبات و مصداق پیمودن آب با غربال است.

مهدی گلشنی، عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «فرهنگستان»:

شورا تحلیل درستی از وضعیت فرهنگی جامعه ندارد و هرکس کار خود را انجام می‌دهد

پیشینه‌ها کرده‌ام که سالانه شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی دو جلسه با نخبگان دانشگاهی داشته باشد تا آنها بتوانند مسائل مبتلابه خود را به اعضا انتقال دهند و با این کار دغدغه‌ها بیشتر می‌شود.»

وی افزود: «شما مصوبه‌ای درباره حیات طیبه بگذرانید، در حالی که اصلاً مقدمات قضیه در جامعه نیست. بعد هم تعیین کنید که می‌خواهیم در سال ۱۴۰۴ افق ایران اینچنین باشد و ایران به این جایگاه برسد. نخبر، باید بررسی کنند با این شرایط آن افاق فراهم می‌شود یا خیر؟»

عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با نگاه سیاسی حاکم بر شورا نیز گفت: «خیلی از کمیته‌ها و شوراهای هم‌جریه‌ها، رفقا و دوستان اعضا تشکیل می‌شود و تا این هست نباید انتظار زیادی از این شورا داشته باشیم.»

وی افزود: «در درجه اول به حاشیه رفتن شورای عالی انقلاب فرهنگی به خاطر

مهدی گلشنی، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی شریف و عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره دلایل تنزل جایگاه این شورا به «فرهنگستان» گفت: «بارها در سال‌های اخیر تکرار کردم که شورا باید رصدی از وضعیت فرهنگی کشور داشته باشد. افکار به کلی مغشوش است، دیدن‌ها به یک نحو و غیردیندارها به نحو دیگری مغشوش هستند، به این دلیل که در شورا کاری نشده است.»

وی افزود: «اگر بررسی می‌کردند چه تفکری در محیط مدارس و دانشگاه‌ها حاکم است و بر اساس آن قانونگذاری می‌کردند خیلی قضیه متفاوت بود. اما متأسفانه فرض بر این است که انحرافات وجود دارد و با یک مصوبه هم حل می‌شود، در حالی که این چنین نیست.»

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه گفت: «فرض کنید زبیرترین قانون را هم بنویسید و دست دبیران یا اساتید دانشگاه بدهید که اعتقادی به این قوانین ندارند. معلوم است که آنها کاری به قوانین ندارند و کار خود را انجام می‌دهند.» گلشنی در نقد عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: «شورای عالی انقلاب فرهنگی رصد نکرده است و از وضع بد فرهنگی در جامعه، در دانشگاه‌ها و در مدارس خبر ندارد. اگر اعضای این شورا داده‌شده، طراحی این سازوکار در شورای عالی آرام و قرار نداشتند. اصل ماجرا این است.»

استاد بازنشسته فلسفه علم با اشاره به نخبگانی بودن این نهاد افزود: «بارها